



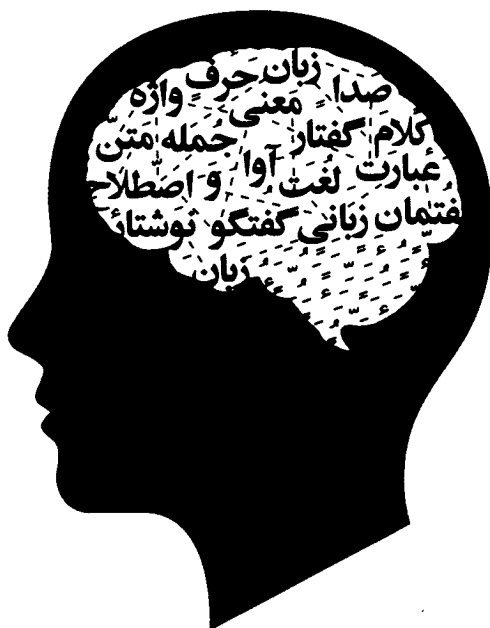
مجلهٔ زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان

علمی-پژوهشی / (زبان و ادبیات)

سال چهارم/شماره ۱/شماره پیاپی ششم/بهار و تابستان ۱۳۹۱

۱۶۴/۱/۶

احتیاج



■ وندافزایی در زبان فارسی: وندبنیاد یا پایه‌بنیاد؟

■ توصیف مصدر /æh/ در گویش خاتیک و مقایسه با چند گویش دیگر

■ بررسی و توصیف ساخت لولایی در گویش علمیرزایی سرخس

■ نمونه واژه‌های فارسی دری باقی مانده در گویش‌های جنوب خراسان

■ بررسی سنده در گویش‌های خراسان

دکتر عاطفه‌سادات میرسعیدی - دکتر بتول علی‌نژاد

دکتر زهرا اختیاری

دکتر محمد رضا پهلوان نژاد - مهناز شاهرودی

دکتر سید حسین فاطمی - هاشم صادقی

دکتر غلام‌محمد تهری

توصیف مصدر /æh/ در گویش خانیک و مقایسه با چند گویش دیگر

چکیده

ساخت‌های مختلف از مصدر /æh/ در گویش مردم روستای تاریخی خانیک و روستاهای همجوار با آن رواج دارد. صیغه دوم شخص مفرد حال این مصدر در گویش مزبور، بازمانده‌ای از زبان سنسکریت و فارسی باستان است. برخی ساخت‌های مصدر /æh/ چون به عنوان فعل اسنادی در معنای «هستن» و «بودن» به کار می‌رود، از افعال پر کاربرد در این گویش به شمار می‌آید. در این جستار، نشان داده شده که فعل /æh/ در گویش امروز مردم خانیک چه ساخت‌هایی دارد. همچنین پیشینه /æh/ در زبان سنسکریت، فارسی باستان، اوستایی و فارسی میانه بررسی و نیز صیغه‌های آن در گویش خانیک با دیگر گویش‌های امروزی که در آن‌ها رواج دارد مثل گویش‌های کاخک، فردوس و گزیک مقایسه شده است. مصدر /æh/ در گویش خانیک و کاخک با مقداری تفاوت، کاربرد دارد و در گویش فردوس و گزیک ردپایی از آن دیده می‌شود. ساخت‌های ریشه /æh/ در فارسی معیار وجود ندارد و به کار نمی‌رود. معیار تلفظ فعل‌ها در گویش خانیک براساس سخن گویشوران کهن سال است و در دیگر گویش‌ها بر اساس کتاب‌ها یا رساله‌هایی است که به بررسی این گویش‌ها پرداخته‌اند. صرف فعل‌های مصدر /æh/ در گویش خانیک، در جای دیگری نیامده و این مقاله اولین نوشته‌ای است که به معرفی آن پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: /æh/، گویش خانیک، سنسکریت، فارسی باستان و اوستایی، کاخک، فردوس، گزیک.

مقدمه^۱

روستای تاریخی و کهن خانیک، جزو بخش کاخک شهرستان گناباد و در مرز میان فردوس و گناباد واقع است. این روستا به دلایل متعدد از جمله صعب‌العبور بودن، از هجوم بیگانگان و زبان‌ها و گویش‌های دیگر در امان مانده است و تا وقتی کهن‌سالان زنده‌اند، این گویش در بین آن‌ها باقی است، اما به سبب مهاجرت مردم روستا به شهرها، وجود مدرسه و رسانه‌ها، خطر انقراض، دامن گویش خانیک را نیز گرفته است.^۲

مردم این روستا در گفتار خود از ساخت‌های فعلی استفاده می‌کنند که نسبت به دیگر افعال به کار رفته در گویش مردم این روستا، کاربرد زیادتری دارد. این فعل‌ها، ساخت‌های مختلف از مصدر /æh/ است.

با توجه به اهمیت حفظ گویش‌ها و پژوهش در آن‌ها، امیدوارم توصیف این گویش که این جستار قسمتی از آن است - در حل پاره‌ای دشواری‌های دستور زبان فارسی امروز و زبان‌های کهن ایران به کار آید، همچنین در یافتن ارتباط ریشهٔ گویش‌های بومی با زبان اصلی که مادر آن‌ها به حساب می‌آید، یاری رساند. این گویش به دلایل مختلف از جمله قدمت و اصالت به فهم بهتر متون ادبی کهن، کمک خواهد کرد. کلماتی در متون گذشتهٔ فارسی به کار رفته است که هنوز در فهم دقیق معنای آن‌ها مشکل داریم؛ نظیر این بیت از شعر ناصر خسرو:

با تو فردا چه بماند جز دریغ چون برد میراث‌خوار آنچه‌ت که هند

(ناصر خسرو، ۱۳۸۰: ۲۶۹۶)

فعل سوم شخص جمع از مصدر /æh/ گاهی به صورت /æhaend/ و گاهی بدون /æ/ به صورت /haend/ به کار می‌رود: /maerdomâ æhaend/ (مردم‌ها هستند) یا /dæ maerdomâ sær zæmi/ (مردم ما در سر زمین هستند). کلمهٔ «هند» در دیوان ناصر خسرو تصحیح مرحوم سید نصرالله

۱- این مقاله جهت اتمام فرصت مطالعاتی ارائه می‌گردد.

۲- از سرکار خانم دکتر اعظم استاجی دانشیار محترم گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی و سرکار خانم مریم فضایی، دانشجوی محترم دکتری این رشته، که در رفع برخی از ابهامات آوانگاری همکاری کردند، سپاس گزارم.

تقوی به صورت «هند» آمده است، که درست است، اما در تصحیح‌های بعدی که توسط استادان بزرگ ادب فارسی انجام گرفته، غلط خوانده شده و با شک و تردید و همراه با علامت سؤال به شکل «پند؟» (ناصر خسرو، ۱۳۶۵: ۴۳۴) ضبط شده است. البته این ساخت از مصدر «آه» در کتاب-های دیگری هم آمده است؛ از جمله در کهن‌ترین ترجمه قرآن به فارسی: «ایشان گورانی سوریده لالمستفزه/ هند» (قرآن قدس: ۳۹۶؛ مدثر: ۵۰).

این نمونه‌ای بود تا نشان داده شود، معرفی و شناخت گویش خانیک گناباد و توصیف فعل‌های نادر رایج در آن می‌تواند به فهم درست متون فارسی کمک کند. همچنین مقاله نگارنده با عنوان «واکاری چند واژه از تاریخ بیهقی^(۱)» نیز نمونه‌ای است که نشان می‌دهد با کمک این گویش می‌توان به معنای درست بسیاری از کلمات فارسی که در فرهنگ‌های لغت موجود نیامده، پی برد.

روش کار

در این تحقیق ابتدا به بررسی ساخت‌های مصدر /æh/ (هستن، بودن) در گویش مردم خانیک پرداخته شده، سپس پیشینه برخی از فعل‌های آن در زبان سنسکریت و دوره‌های مختلف زبان فارسی بررسی شده است. مقایسه با گویش‌های دیگر بخش بعدی پژوهش را در بر می‌گیرد. منبع اطلاعات در گویش خانیک، گرچه نویسنده خود گویشور است، افراد کهن‌سال روستا که عمری قریب به هشتاد-نود سال دارند بوده است. چند سالی است از طریق مصاحبه با گویشوران و پر کردن پرسش‌نامه‌ها در پی جمع‌آوری گویش خانیک هستم. پایه اولیه این مقاله نیز از همین طریق پی‌ریزی شد. منبع اطلاعات برای گویش‌های دیگر، کتاب‌های چاپ شده و رساله‌های دانشجویانی بوده که زیر نظر استادان صاحب نظر دانشگاه انجام گرفته است^(۲). از میان رساله‌های موجود در دانشگاه فردوسی مشهد و کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، آن رساله‌هایی که در صرف ساخت‌های این فعل با گویش خانیک مشترک بود، انتخاب شد. گویش‌هایی که این مصدر در آن‌ها مشترک بود عبارت از: کاخک، فردوس و گزیک است.

در منابع مختلف از لفظ «آه» با نام مصدر، فعل و ریشه^(۳) (منصوری، ۱۳۸۴: بیست و هفت؛ ابوالقاسمی، ۱۳۸۰: ۹۴) نام برده شده است، اما چون ساخت‌های رایج آن در گویش خانیک از زمان حال فراتر

نمی‌رود، نمی‌توان ریشه یا مصدر دقیقی برای «آه» در نظر گرفت و به همان صورت رایج یعنی لفظ مصدر را به کار بردیم.

قابل ذکر است که به هنگام نقل مطلبی از دیگر منابع سعی بر آن بود تا در تلفظ ساخت‌های مختلف مصدر /æ:h/ آوانگاری موجود در متن منبع رعایت شود. چون تلفظ /æ:/ در مصدر /æ:h/ در گویش خانیک کشیده‌تر از /æ:/ است و با آوانگاری آن در دیگر متونی که از آن ساخت‌هایی آورده‌اند تفاوت دارد، در توصیف آن در گویش خانیک به صورت /æ:/ نوشته شد.^۱

پیشینه تحقیق

تا کنون پژوهشی علمی در مورد ساخت‌های رایج مصدر /æ:h/ انجام نشده، جز آن که در برخی رساله‌های دانشجویی به وجود این مصدر در مناطق دیگر به اختصار اشاره شده است. آنچه در این مقاله بدان پرداخته شده، نو است و به جز این پژوهش، کتاب یا مقاله‌ای در معرفی فعل‌های این مصدر - که هم اکنون در روستای خانیک رایج است - به رشته تحریر در نیامده است.

روستای خانیک

روستای تاریخی خانیک جزء بخش کاخک از توابع شهرستان گناباد، در جنوب خراسان رضوی، به حساب می‌آید و فاصله آن تا گناباد سی و دو کیلومتر است. خانیک در مرز بین فردوس و گناباد واقع شده

۱- اهم نشانه‌های آوانگاری واکه‌ها و برخی همخوان‌ها که در این متن به کار رفته، عبارتند از:

ی = j	ای = i	او = u	آ = â	ـ = o	ـ = e	ـ = æ
		خ = x	? = همزه		ش = ʃ	ق = q
: = دو نقطه نشانه امتداد و کشیدگی صداست.						
ə = واکه‌ای بین کسره و فتحه.						
e = واکه‌ای کمتر از الف و بیشتر از فتحه به عبارت دیگر در مواردی به کار می‌رود که دهان بیشتر از فتحه باز می‌شود.						
a: = آ، نشان آوایی یا واکه‌ای کشیده‌تر از /æ/ و کوتاه‌تر از آ (â) است. مثل: (آ) در /æ:hom/ (هستم) که کشیده‌تر از «آنا» /æ:nâr/ و کوتاه‌تر از «آیم» /â:jæm/ است. چون در گویش این آوا تلفظ می‌شود و در بین علائم آوانگاری نشانی برای آن یافت نشد، این علامت را برای تلفظ صدای «آ» که بلندتر از الف (i) و کوتاه‌تر از /v/ است، قرار دادم.						

است. این روستا بر بلندای رشته کوه‌های موسوم به براکوه از سلسه جبال سیاه‌کوه در ارتفاع حدود دو هزار متری از سطح دریا قرار دارد و از چهار طرف توسط کوه‌های بلند محصور شده است. گویش مردم خانیک به دلایل متعدد، که از اهم آن‌ها دوری و صعب‌العبوری روستا را می‌توان برشمرد، از تغییر دور مانده، یا کمتر دچار تغییر شده است.

وجود و بقای نشانه‌هایی از ایران کهن در این منطقه، تأییدی است بر دیرینگی گویش و نژاد آن‌ها. وجود نام‌های اسطوره‌ای و تاریخی بر روستاهای همجوار خانیک، همچون نام روستای «زوم»^(۴) /zæw/ همچنین وجود قلعه تاریخی فرود در همسایگی روستا، نیز نشان از دیرینگی محل دارد. بقایای نشانه‌های کهن تاریخی نیز در این روستا دیده می‌شود^(۵).

خانیک، مثل بسیاری از روستاهای اطراف آن، نامی باستانی و کهن دارد. نام‌هایی مثل «ایدو»، «دِسپو» (دیسفان)، «سِنو»، «سارنگ»، «سارنگ»، «کَرشک» (کارشک)، «زِیود» (زیبد)، «ریو» (ریاب)، «فوجلد» (فوژد) و مانند آن، که قطعی نمی‌توان گفت برخی از این نام‌ها به چه معنایی است. هرچه هست کلمه خانیک، فارسی امروزی یا فارسی دری نیست، چون در فرهنگ‌های معتبر فارسی از قبیل لغت‌نامه دهخدا، برهان قاطع و فرهنگ فارسی معین معنای کلمه خانیک نیامده است. محققاً «خانیک»، مثل نام برخی از روستاهای همجوار، کلمه‌ای پهلوی است. بهرام فره‌وشی در فرهنگ پهلوی در معنای کلمه خانیک این‌گونه نوشته است: «xānik^(۶) چشمه، چاه آب، اصلی، اساسی، چشمه‌ای» (فره‌وشی، ۱۳۸۱: ۶۲۴). در این روستا، چشمه‌ها و قنات‌های فراوانی جاری است. تعداد سی قنات و حدود ده عدد چشمه دائمی دارد و به عنوان زیباترین روستای بیلاقی گناباد مشهور است. این روستا در گذشته دارای آبادانی شگفت‌آور و حیرت‌انگیزی بوده، به گونه‌ای که هنوز بقایای راه‌آب‌ها و نشانه‌های اندکی از شهر قدیمی و کارگاه‌های بزرگ آن در کنار دره‌ها و هم در اذهان مردم باقی مانده است. اینک به بررسی فعل «آه» در گویش مردم این روستا پرداخته می‌شود:

الف - صرف ساخت‌های مختلف از مصدر /æh/ (هستن)

مصدر /æh/ به معنای «بودن، شدن، هستن» (مقدم، ۱۳۴۲: ۱۰) است و مفهوم اسنادی دارد. /æh/ که ساخت‌های آن در گویش مردم خانیک و روستاهای اطراف آن رواج دارد، پیشینه‌ای طولانی

و کهن دارد که در قسمت بعدی به آن خواهیم پرداخت. با وجود کاربرد فراوان، فعل‌های ساخته شده از مصدر /æh/ از این مصدر، تمام زمان‌ها ساخته نمی‌شود و فقط زمان حال آن امروز رایج است. شش ساخت حال ساده از این مصدر، در گویش خانیک عبارتند از:

هستم	æ:hem	هستم	æ:hom ^(۷)
هستید	æ:hæ	هستی	æ:hi
هستند	æ:hæn	هست	æ:hæd

مثال: /dæ xune æli hom./ (در خانه علی هستم).

مثال برای شش ساخت مضارع:

اول شخص مفرد:	/mo x hæmifə æ:hom/	(من که همیشه هستم).
دوم شخص مفرد:	/to x hæmifə æ:hi/	(تو که همیشه هستی).
سوم شخص مفرد:	/o x hæmifə æ:hæd/	(او که همیشه هست).
اول شخص جمع:	/mā x hæmifə æ:hem/	(ما که همیشه هستیم).
دوم شخص جمع:	/jomā x hæmifə æ:hæ/	(شما که همیشه هستید).
سوم شخص جمع:	/unā x hæmifə æ:hæn/	(آن‌ها که همیشه هستند).

فعل‌های اسنادی ساخته شده از /æh/ به تنهایی و بدون مسند هم به کار می‌رود؛ مثال:

/hosæjn æ:hi?/ (حسین هستی؟) که در پاسخ گفته می‌شود: /bæle æ:hom/ (بله هستم).

یا مادری به منزل وارد می‌شود و از حسین می‌پرسد: /mæhæm:æd æ:hæ?/ (محمد

هست؟) و حسین می‌گوید: /æ:hæd/ (هست).

در سوم شخص مفرد وقتی این فعل به صورت پرسشی در می‌آید، حرف آخر آن، یعنی "d"

حذف می‌شود: /æ:←æ:hæd/

و همچنین در سوم شخص جمع وقتی پرسیده می‌شود: /bætʃæh æ:hæn?/ (بچه‌ها هستند؟)، در پاسخ یکی از طرف همه یا چند تا می‌گویند /æ:həm/ (هستیم).
 گونه دومی هم از صرف شش ساخت حال، این ریشه رواج دارد، که در آن /æ/ از آغاز فعل‌ها حذف می‌شود. این گونه به تنهایی به کار نمی‌رود، بلکه هنگام اضافه شدن با کلمات دیگر می‌آید و رابطه آن‌ها را می‌رساند:

hem	هستیم	hom	هستم
ha	هستید	hi	هستی
hæn	هستند	hæd	هست

مثال:

۱- /dæ xunə hom/ (در خانه هستیم).

۲- /dæ xunə hi/ (در خانه هستی).

۳- /dæ xunə hæ:d/ (در خانه است).

۴- /dæ xunə hə:m/ (در خانه هستیم).

۵- /dæ xunə ha/ (در خانه هستید).

۶- /dæ xunə hæ:n/ (در خانه هستند).

/dæ serâ hi/ (در منزل هستی)^(۹).

در برخی جاها /æ/ از آغاز فعل /æh/ حذف می‌شود و در بعضی دیگر باقی می‌ماند:

۱. /tâ umædæne: tâheræ æ:hom./ (تا آمدن طاهره هستیم).

۲. /dæ mædresæ hæ/ (در مدرسه هستید).

۳. /tætil hə:m/ (تعطیل هستیم).

۴. /tâfâw æ:hom/ (تا شب هستیم).

۵. /tâ væxte nomâz xæ æ:hæd/ (تا وقت که نماز هست).

۶. /dæ nomâz hæd/ (در نماز است).

۷. /mâm æ:hem/ (ما هم هستیم).

۸. /dæ sær zæmi hom/ (در سر زمین هستیم).

۹. /tâ sæbâh æ:hæm/ (تا فردا هستند).

در فارسی میانه یا پهلوی هم ساخت‌هایی همراه /æ/ و بدون /a/ نقل شده است، که برخی به عنوان نمونه می‌آید: اول شخص و دوم شخص مفرد: /æhmi> hēm/، /æhi> hēm/ اول شخص جمع: /æhmæhy> hēm/ (منصوری، ۱۳۸۴: سی).

کلمه /hom/ اول شخص مفرد، در گویش خانیک در معنای غیر فعلی به جای (آری) یا (بله)، مقابل (نه) هم به کار می‌رود، /nud mâ/ (نان می‌خواهی؟) پاسخ جواب داده خواهد شد: /hom/ (بله). همان لفظی که در برخی گویش‌ها به صورت «ها» /hâ/ به کار می‌رود.

پرسشی: در پرسشی هم به دو گونه می‌آید؛ بدون /æ/ مثل: /æ hi?dædæ ko/ (کجا هستی؟) و در پرسشی نوع دیگر /æ/ حذف نمی‌شود، مثل: /æ:hi?/ (آیا هستی؟).

برخی ساخت‌های پرسشی در گویش خانیک کاربرد زیادی دارد، مثل /æ:hi?/ (آیا هستی؟ آیا مایلی؟)؛ /næhi?/ (آیا نیستی؟)، /næhæ?/ (آیا نیستند؟)، /æ:hæ?/ (آیا هستید؟)، /jækæ æ:hæ?/ (آیا کسی هست؟)، /æ hæ?dædæ ko/ (در کجا هستید؟).

این ساخت‌ها در نقش‌هایی غیر از نقش فعل هم به کار می‌روند مثل: /næhæd mæko/ (هست و نیست نکن، می‌آید یا نه؟).

در این نمونه دو فعل منفی و مثبت اول شخص مفرد در نقش اسمی به کار رفته است. فعل منفی یا نفی از /æhom/ و ساخت‌های دیگر آن به این صورت ساخته می‌شود: پیشوند منفی ساز «ن» /næ/ به علاوه فعل، مثل: /næhom/ (نیستم).

اگر بر سر هر کدام از شش فعل ذکر شده، حرف نفی «ن» در آید، «الف» /æ/ از آغاز فعل حذف می‌شود و شکل منفی آن ساخته می‌شود. گفته شده: «اگر فعلی با «ا»، «آ» یا «او» آغاز شده باشد، پس از

«ن» و «م» و «ب»، «ی» آورده می‌شود و همزه هم در تلفظ هم در کتابت حذف می‌شود ... ممکن است «ی» آورده نشود و همزه حذف شود یا نشود» (ابوالقاسمی، ۱۳۷۷: ۱۵۴) که در این مورد «ی» اضافه نمی‌شود و فقط «ا» حذف می‌شود.

منفی زمان حال از مصدر /æh/

نیستیم	næ hem	نیستم	næ hom
نیستید	næ hæ	نیستی	næ hi
نیستند	næ hæen	نیست	næ hæd

در گویش مردم خانیک تمام ساخت‌های /æh/ منفی می‌شود، جز فعل امر، زیرا ریشه /æh/ فعل امر و نهی ندارد. به جز فعل‌های مضارع، پرسشی و نفی همین فعل‌ها، که از ریشه «آه» ساخته می‌شود، زمان‌های دیگر آن، از فعل «بودن» می‌آید. چنان‌که نوشته شده است: «در فارسی میانه h- به عنوان ماده مضارع برای būdæn به کار می‌رفته است» (منصوری، ۱۳۸۴: ۹۹). صیغه‌های ماضی و آینده که با مصدر (بودن) ساخته می‌شود از این قرار است: ماضی ساده^(۱۱) فعل (بودن): /bodom/ (بودم). ماضی استمراری^(۱۱): /mæbodom/ (می‌بودم). (همان ماضی ساده است فقط پیشوند استمراری‌ساز (می) به شکل «م» در آغاز تمام صیغه‌ها آمده است). ماضی نقلی^(۱۲): /bodejom/ (بوده‌ام)، ماضی بعید^(۱۳): /bodom bo/ در فعل آینده: /xæhom bo/ (خواهم بود) و دیگر زمان‌ها نیز از فعل (بودن) استفاده می‌شود. آن گونه که نوشته‌اند «این فعل هستن / ماده ماضی ندارد. ماده būd از مصدر būdæn به جای ماده ماضی آن به کار می‌رفته است» (همان: ۲۰۵ و ۴۹).

در ادامه به بررسی فعل /æh/ در زبان سنسکریت، فارسی باستان، اوستایی و میانه می‌پردازیم:

۱- سنسکریت

برخی از ساخت‌های مصدر /æh/ که امروز در گویش خانیک رواج دارد، در زبان سنسکریت هم وجود داشته است، همان‌گونه که کنت در کتاب فارسی باستان، فعل /āhy/ را «التزامی دوم شخص مفرد» در سنسکریت می‌داند. (کنت، ۱۳۸۴: ۵۶۰). دوم شخص در زبان اوستایی نیز همین گونه است

(اشمیت، ۱۳۸۲، ج ۱: ۵۴؛ راشد محصل، ۱۳۶۴: جدول شماره ۱۲). در توصیف دستور زبان اوستا هم دوم شخص مفرد به صورت «*æhi, (-ā /h/) i*» آمده است (Jacson, ۱۸۹۲: ۱۳۴).
در گویش خانیک فعل */æhi/* به عنوان دوم شخص مفرد مضارع به کار می‌رود که به نظر می‌رسد گونه‌ای بازمانده از زبان سنسکریت باشد.

مثالی مربوط به $\text{æhæhi} > \text{æhi}$ در سنسکریت و مقایسه با گویش خانیک: به این گونه است:
باشی $\text{æhæhi} > \text{æhi}$ (کنت، ۱۳۸۴: ۱۷۲) در گویش هم، دوم شخص مفرد به کار می‌رود.
برای مثال: *maehæm:æd æ:hi bejejom bâ hæm værxunem?* (محمد! هستی بیایم با هم بخوانیم؟) *æ:hi(j) berem bâ hæm bæ:zi konem?* (هستی یا آماده‌ای برویم با هم بازی کنیم؟)

کنت، تحول از سنسکریت تا فارسی میانه شش ساخت مضارع فعل */æh/* را نشان داده (همان: ۵۶۰-۵۹۹) و گفته که در انگلیسی نو به شکل */æm/* آمده است (همان: ۲۴۷).

۲- فارسی باستان

در فارسی باستان برخی از فعل‌های مصدر */æh/* با اندکی اختلاف در تلفظ، همان چیزی است که امروز در خانیک رواج دارد. اول شخص مفرد گویش خانیک */æ:hom/* با تفاوت فتحه به ضمه، همان فارسی باستان آن است که در آنجا با فتحه */hæ/* آمده است. با استناد به نوشته کنت: */āhæm/* (من بودم) در فارسی باستان، «در جایی همراه با واکه ماده‌ساز سوم شخص مفرد فارسی باستان *āhæt* /هد-ت/، اوستا *ænhæt* سوم شخص جمع فارسی باستان *āhæⁿ* ... حالت میانه فارسی باستان *āhæⁿtæ* (و *āhæⁿtā*)»^۱ (همان: ۲۴۷) بوده است.

سوم شخص مفرد فارسی باستان *āhæt* (همان) آن هم، امروزه به گونه‌ای رواج دارد، در گویش به صورت */æ:hæd/* یا */æ:hæt/* می‌آید. سوم شخص جمع در گویش خانیک، باقی مانده از فارسی باستان است. در فارسی باستان به صورت */āhæⁿ/* (همان) -گویا با اندکی تغییر- در گویش به شکل */æ:hæn/* و گاهی */æ:haend/* تلفظ می‌شود.

۱- برای حفظ امانت، آوانگاری متن اصلی رعایت شد. در گویش خانیک «ه» در آغاز این فعل کشیده‌تر تلفظ می‌شود.

۳- اوستایی

فعل اول شخص مفرد در اوستایی به صورت /æhmi/ (هرن، ۲۵۳۶، ج ۱: ۱۴۳) وجود داشته و فعل دوم شخص مفرد که در گویش خانیک هست و در سنسکریت رواج داشته، در اوستایی هم دیده می‌شود. دکتر راشد محصل، «صرف زمان حال فعل /æh/ (هستن، بودن) در اوستایی را این‌گونه آورده است:

جمع	مثنی		«مفرد»
mæhi	-	æhmi	اول شخص
stā	-	æhi (æh:i)	دوم شخص
hæpti	stō	æsti	سوم شخص

(راشد محصل، ۱۳۶۴: جدول شماره ۱۲)

ارانسکی هم به برخی ساخت‌ها اشاره کرده است (ارانسکی، ۱۳۷۸: ۵۸). دوم شخص مفرد اوستایی /æ:hi/ در گویش خانیک بدون تغییر همان دوم شخص مفرد است.

۴- فارسی میانه

در فارسی میانه هم ساخت‌های مصدر /æh/ وجود داشته و در صرف برخی فعل‌ها مثل ماضی ساده، به کار می‌رفته است. دکتر آموزگار می‌نویسد: در پهلوی «ماضی ساده افعال لازم با افزودن صیغه‌های مضارع فعل /-h/ (بودن) به ماده ماضی (=اسم مفعول) ساخته می‌شود، بجز صیغه سوم شخص مفرد که خود ماده به عنوان سوم شخص مفرد ماضی به کار می‌رود:» (آموزگار، ۱۳۷۵: ۷۶).

رفتیم	ræft hēm/hom	رفتم	ræft hēm/hom
رفتید	ræft hēd	رفتی	ræft hē
رفتند	ræft hēnd	رفت	ræft

(آموزگار، ۱۳۷۵: ۷).

ماضی فعل لازم و متعدی در گویش خانیک بر خلاف فارسی میانه تفاوتی ندارد. «افعال لازم در زمان گذشته در فارسی میانه همانند فارسی نوین صرف می شود؛ یعنی اسم مفعول فعل مورد نظر (بن ماضی) با مضارع اخباری «هستن» -h صرف می شود.» (مستأجر حقیقی، ۱۳۷۰: ۳۷۸). صرف فعل ماضی در پهلوی:

مفرد	āmæd hæm	āmæd hem	«جمع
	āmæd he	āmæd hed	
	āmæd -	āmæd hend	

(مستأجر حقیقی، ۱۳۷۰: ۹۳، ۷۳۸)

این ساخت‌ها با شناسه‌های فارسی معیار امروزی قابل سنجش است، زیرا شناسه‌ها باقی مانده ساخت‌های مضارع ریشه /æh/ است.

دوم شخص مفرد حال این فعل «/æhi> hēm/» (منصوری، ۱۳۸۴: سی) که بدون تغییر به گویش خانیک رسیده است و دیگر صورت‌های حال آن، به شرحی است که نقل می‌شود:

جمع	(æhmæhi>) hēm	(æhmi>) hēm	«مفرد
	(...) hēm	æhi> hēm/»	
	(hænti> hēnd	(æsti>) hēm	

(منصوری، ۱۳۸۴: سی)

در پهلوی اشکانی ترفانی و فارسی میانه ترفانی به صورت h (æ)، مضارع فعل (بودن)، وجود داشته (ابوالقاسمی، ۱۳۸۰: ۱۶۶) و نیز در زبان پارسی یا همان پهلوی اشکانی، /æh/ (بودن) به عنوان فعل کمکی برای ساختن زمان‌های ترکیبی مورد استفاده قرار می‌گرفته است (رضایی باغ‌بیدی، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

مقایسه /æh/ در گویش خانیک با گویش‌های دیگر

مصدر /æh/ که با شش ساخت فعلی، به صورت زمان حال ساده و صورت‌های پرسشی و منفی به کار می‌رود، به دلیل داشتن حالت اسنادی از پرکاربردترین فعل‌ها در گویش خانیک به حساب می‌آید. با جست‌وجوهای به عمل آمده، علاوه بر گویش بخش کاخک و روستای خانیک (البته در

بیشتر روستاهایی که تا شعاع حدود ده کیلومتری خانیک واقع شده‌اند، این فعل با کمی اختلاف در تلفظ کاربرد دارد، از جمله روستای کوه قلعه در چهار کیلومتری خانیک با حدود پانزده خانوار، روستای زو (یا صالح‌آباد) در حدود پنج کیلومتری، دیسفان در سه کیلومتری، ایدو، سارنگ و کلات) در برخی مناطق دیگر هم گونه‌ای از این فعل به کار می‌رود. در این قسمت به مقایسه این فعل در گویش خانیک با گویش‌های دیگر پرداخته می‌شود:

۱- گویش کاخک

در بین گویش‌ها، گویش خانیک و کاخک از همه به هم شبیه‌ترند. البته از نظر مسافت هم این دو مکان در جوار هم قرار دارند. شناسه‌ها در این دو گویش تقریباً شبیه هم است، جز شناسه اول شخص جمع در فعل‌های ماضی که در گویش خانیک مکسور «م» و در گویش کاخک مفتوح است؛ برای مثال اول شخص جمع مضارع اخباری، در گویش خانیک به صورت /æ:hem/ (هستیم) و در گویش کاخک، حرکت قبل از «m» به صورت فتحه به شکل /æm/ مثل /æ:hæm/ می‌آید. کلمات و فعل‌های کهن در گویش خانیک باقی مانده در حالی که گویش کاخک، به زبان معیار نزدیک شده است.

فعل /æh/ نظیر آنچه در گویش خانیک به کار می‌رود، در گویش کاخک هم کاربرد دارد، به این

صورت:

æhem ^(۱۴)	هستیم	æhom	«هستم
æhe	هستید	æhi	هستی
æhen	هستند	æhed	هست

(حسنی، ۱۳۷۷: ۹۸)

- تلفظ «الف» در آغاز این فعل در گویش خانیک کشیده‌تر است که با /æ:/ نشان داده شده و در گویش کاخک کوتاه است و به صورت همزه با علامت /?æ/ (۱۵) نشان داده شده است.
- همچنین ضمیر سوم شخص مفرد در گویش خانیک به صورت /æd/ و در گویش کاخک در تلفظ به شکل دهان نیمه باز به صورت /ed/ می‌آید که به اندازه کشیدگی آن در گویش خانیک نیست.

- ضمیر اول شخص جمع در گویش خانیک /hem/ با کسره تلفظ می‌شود؛ در حالی که در گویش مردم کهنسال کاخک به صورت /hæm/ با فتحه به کار می‌رود.
- ضمیر دوم شخص جمع در خانیک /æ/ با صدای فتحه تلفظ می‌شود و در کاخک /ɛ/ با فتحه‌ای که دهان نیمه باز است، اما کوتاه‌تر از فتحه رایج در ضمیر سوم شخص جمع در گویش خانیک است.
- ضمیر سوم شخص جمع هم در گویش خانیک /æ/ با صدای فتحه و در کاخک با علامت /ɛ/ با فتحه‌ای کوتاه‌تر از گویش خانیک است، می‌آید.
- حذف /æ/ از آغاز فعل /æh/ در هر دو گویش مشترک است. البته این نوع ساخت به همراه قید، صفت، ضمیر و یا اسم می‌آید:

۱- همراه قید در گویش خانیک

dæ xunə hem	در خانه هستیم	dæ xunə hom	در خانه هستم
dæ xunə hæ	در خانه هستید	dæ xunə hej/i	در خانه هستی
dæ xunə hæm	در خانه هستند	dæ xunə hæd	در خانه هست

نمونه‌ای از گویش کاخک:

hujā hom	آن‌جا هستیم	hujā hom	«آن‌جا هستم»
hujā hi	آن‌جا هستید	hujā hi	آن‌جا هستی
hujā hed	آن‌جا هستند	hujā hed	آن‌جا هست

(همان)

۲- نمونه از پیوستن به صفت در گویش خانیک

xob æ hem	خوبیم	xob æ hom	خوبم
xob æ hæ	خوبید	xob æ hi	خوبی
xob æ hæm	خوبند	xob æ hæd	خوب است

در گویش مردم خانیک بعد از صفت و قبل از فعل، لفظِ گویشی /æ/ می‌آید.
نمونه همراه شدن فعل /æh/ بدون /æ/ با صفت در گویش کاخک:

خوب هستیم	xobem	خوب هستم	xob om
خوب هستید	xobe	خوب هستی	xob i
خوب هستند»	xoben	خوب است	xobed

(حسنی، ۱۳۷۷: ۹۷)

علاوه بر تغییر در تلفظ شناسه‌ها در گویش کاخک نسبت به خانیک، نوع شناسه‌ها در گویش کاخک به فارسی معیار نزدیک شده است.

۳- فعل /æh/ بدون /æ/ در گویش خانیک همراه ضمیر آمده است:

bâ o: hem	با او هستم	bâ o: hom
bâ o: hæ:	با او هستی	bâ o: hi
bâ o: hæ:n	با او است	bâ o: hæd

- فعل‌های ساخته شده از مصدر /æh/ در گویش کاخک همراه ضمیر نقل نشده است.

در گویش خانیک جزء اول فعل باستانی /æh/ به شکل /h/، گونه بدون /æ/، باقی است، که نشان دهندهٔ دیرینگی گویش خانیک است. ظاهراً این گونهٔ زبانی بازمانده‌ای از زبان‌های باستانی است.

۴- فعل /æ:h/ بدون /æ/ همراه اسم در گویش خانیک:

مرد هستیم	mærd æ jem	مرد هستم	mærd æ jom
مرد هستید	mærd æ jæ:	مرد هستی	mærd æ ji
مرد هستند	mærd æ jæ:n	مرد است	mærd æ jæd

در هنگام اتصال این فعل به اسم، تغییرات مختلفی در آن پدید می‌آید؛ از جمله /h/ در فعل /æ:h/ به /j/ تبدیل می‌شود. هر اسمی که جای «مرد» گذاشته شود به همین شکل صرف می‌شود: /zænæ /jom/ (زن هستم)، /sibæje/ (سببی است).

اما در گویش کاخک به هنگام صرف اسم، به همراه مصدر /æh/، گویش کاخک به فارسی معیار نزدیک شده است و با گویش خانیک تفاوت دارد؛ مثال از گویش کاخک:

مرد هستیم	merdæm	مرد هستم ^(۱۶)	merd om
مرد هستید	merdæ	مرد هستی	merdi
مرد هستند	merdæn	مرد است	merdej

(حسنی، ۱۳۷۷: ۹۷)

تفاوت گویش کاخک با خانیک به هنگام اتصال با کلمه دیگر کاملاً مشهود است. در صرف شکل‌های شش‌گانه این مصدر، وقتی به اسم و ضمیر و صفت می‌پیوندد، در گویش خانیک از صرف فعل کامل /æ:h/ استفاده می‌شود، در حالی که در کاخک صورت شناسه‌ای این فعل به کار می‌رود. شش ساخت منفی آن در گویش کاخک هم به کار می‌رود: /næ hom/ (نیستم) (همان).

۵- گویش فردوس

با جستجوهای فراوانی که انجام گرفت، ساخت‌های مختلف از مصدر /æh/، به گونه‌ای که در گویش خانیک و بخش کاخک رایج است، در گویش دیگری به دست نیامد. در گویش مردم فردوس و گزیک با ابدال آوای /j/و /h/ به هم، رد پای شش ساخت مضارع ساده این مصدر را می‌توان یافت. صرف این فعل در گویش فردوس:

هستیم	?æjaem	هستم	?æjom
هستید	?æjæ	هستی	?æji
هستند	?æjæn	هست	?æjæd

(راغبی، ۱۳۸۱: ۹۰)

یعنی به جای /æhom/ فعل /æjom/ در فردوس رایج است. این ابدال در گویش خانیک هم به هنگام اتصال این فعل به اسم به چشم می خورد: /mærd æ jom/ (مرد هستم)، که طبق صرف مضارع ساده فعل باید می شد /mærd æ hom/، در حالی که شاهد ابدال /h/ به /j/ هستیم. در گویش فردوس ضمیرها شبیه به گویش خانیک است، البته از نظر جغرافیایی هم روستای خانیک جداکننده مرز میان شهرستان گناباد و فردوس است، گرچه از نظر تقسیمات کشوری جزو گناباد محسوب می شود.

۶- گویش گزیک

مضارع مصدر /æh/ در گویش گزیک، از توابع بیرجند در خراسان جنوبی، هم دیده می شود و مثل دیگر گویش هایی که فعل های این مصدر در آن ها رواج دارد، فعل های زمان حال ساده گزارش شده است. از منفی آن هم صورتی نقل نشده است.

در این گویش هم حرف /h/ به /j/ ابدال می شود. از جهت ابدال این دو حرف به هم، مانند گویش فردوس است. صرف مصدر /æh/ در گویش گزیک:

هستم	æje	هستم	æjo
هستید	æje	هستی	æji
هستند»	æjæ	هست	æje

(خزایی نژاد، ۱۳۷۴: ۸۲)

به سبب تفاوت نسبتاً زیاد شناسه ها در گویش گزیک با خانیک، از پرداختن به شناسه ها صرف نظر می شود. صرف کامل ساخت های شش گانه مضارع به عنوان فعل مستقل یا اسنادی، به شیوه ای که در خانیک رایج است، در دیگر گویش ها و در فارسی معیار دیده نشد، فقط در گویش خانیک و کاخک ساخت هایی از /æh/ رواج دارد.

نتیجه گیری

در این جستار به بررسی و توصیف ساخت های مختلف مصدر /æh/ پرداخته شده است. صیغه هایی از مصدر /æh/ که در خانیک رایج است، به دلیل فعل ربطی بودن، در کاربرد از بسامد

بالایی برخوردار است. برخی از این فعل‌ها باز مانده از زبان سنسکریت یا فارسی باستان و پهلوی است که در جای خود نشان داده‌ایم؛ مثل فعل‌های دوم شخص مفرد /æhi/ (هستی) و اول شخص جمع /æhom/ (هستیم).

این صیغه‌های شش‌گانه در فارسی معیار وجود ندارد، اما فعل‌های مختلف ساخته شده از این مصدر با گونه‌های نزدیک به هم در گویش‌های کاخک، فردوس و گزیک هم اکنون به کار می‌رود. با توجه به این نکته که در مورد توصیف و معرفی فعل‌های ساخته شده از مصدر «آه» در گویش خانیک، کاری علمی انجام نگرفته، در اینجا به این مهم پرداختیم.

یادداشت‌ها

۱- نگارنده، نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، شماره ۲۰۹، دوره ۵۲، زمستان ۱۳۸۸/۲۰۰۹، صفحات: ۱-

۲۱.

۲- گویش‌های بررسی شده در خراسان که در آن‌ها از فعل «آه» سخنی به میان نیامده است، عبارتند از:

- گویش قاین: زمردیان، رضا، زبانشناسی عملی بررسی گویش قاین، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- گویش خواف: امیری‌نژاد، مسعود، بررسی و توصیف گویش خواف، استاد راهنما رضا زمردیان، رساله کارشناسی ارشد، رشته زبانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۵.
- گویش بیرجند: رضایی، جمال: بررسی گویش بیرجند (واجشناسی-دستور)، به هزینه محمود رفیعی، تهران، هیرمند، ۱۳۷۷.
- گویش رقه: اسدی، مهدی، بررسی و توصیف گویش رقه (از روستاهای بخش بشرویه شهرستان فردوس)، استاد راهنما دکتر زمردیان.
- گویش قاسم‌آباد از توابع خواف: زنگنه، علیرضا، بررسی و توصیف گویش قاسم‌آباد (شهرستان خواف)، استاد راهنما یدالله پرمون، رساله کارشناسی ارشد، رشته آموزش زبان فارسی، دانشگاه پیام نور استان تهران، ۱۳۸۸.
- گویش طبس گلشن: جلیلی، محمود، بررسی گویش طبس گلشن، مشهد، نشر دستور، ۱۳۸۹.

۳- در برخی منابع از قبیل بررسی ریشه‌شناختی فعل‌های زبان پهلوی لفظ /æh/ به عنوان ریشه به کار برده شده است. چنان‌که آمده است: «ماده /h-/ به معنی بودن، خود از ریشه /æh/ (هستن) ساخته شده است» (منصوری، ۱۳۸۴: بیست و هفت).

۴- زو یا زاب پسر طهماسب و جانشین نوذر بود. زاب پادشاهی عادل و دارای فر و هم از پشت فریدون بود. (یاحقی، ۱۳۸۶: ۴۳۰-۴۲۹).

۵- در حدود ده سال پیش در ورودی روستای خانیک، در محلی به نام سنگ قدمگاه، یک کتیبه به خط میخی را به من نشان دادند. کتیبه بر روی تخته سنگ بزرگی قرار داشت و بسیار کهنه بود؛ به طوری که اگر دقت نمی‌شد از پای سنگ، کلمه‌های آن به چشم نمی‌آمد، اما نوشته‌ها سالم بود؛ در دو سطر و نیم، یک سطر آن به عرض حدود یک متر و نیم و سطر زیرین به عرض حدود یک متر بود. در زیر کتیبه خط میخی یک کتیبه فارسی اما کوچک وجود داشت به خط فارسی و مثل کتیبه خط میخی کهنه نبود، که نام «شاه حسن» در آن خوانا بود، وی در دوره ایلخانی در گناباد و قهستان حکومت می‌کرده است. دو سال بعد که مراجعه کردم کتیبه خط میخی نبود. جای کتیبه را که از تخته سنگ بزرگ با دقت جدا کرده بودند کاملاً مشخص باقی مانده است. سال گذشته (تابستان ۱۳۸۹) که رفتم کتیبه فارسی دوره ایلخانی هم نبود. اخیراً هم در زمستان ۱۳۸۸، در روستا، یک شهرک باستانی از زیر خاک پیدا شده که مردم برخی کتیبه‌های به دست آمده از زیر خاک را به اداره میراث فرهنگی گناباد تحویل داده‌اند.

۶- چون در کتاب‌های زبان‌شناسی غالباً حرف «آ» با علامت \bar{a} آمده است و در این مقاله سعی شد برای نشان دادن حرف «آ» از علامت \hat{a} استفاده شود، در نقل‌ها رعایت عین متن ناچار می‌نمود.

۷- در متون زبان‌شناسی که به این مصدر اشاره شده به شکل /æh/ تلفظ شده است، اما مردم روستای خانیک /æ/ آغازین این فعل‌ها را با صدایی کشیده‌تر از معمول تلفظ می‌کنند، بنابراین نشانه /æ:/ برای ساخت‌های مختلف این کلمه در گویش خانیک در نظر گرفته شد.

۸- جمع این فعل گاهی نیز به صورت /æ: hænd/ به کار می‌رود.

۹- مثال‌های دیگر:

سەر وخت در کلاس هستم.)	sær væx dæ kelâs hem	(سەر وخت در کلاس هستم)	sær væx dæ kelâs hom
سەر وخت در کلاس هستید.)	sær væx dæ kelâs hæ	(سەر وخت در کلاس هستی)	sær væx dæ kelâs hi
سەر وخت در کلاس هستند.)	sær væx dæ kelâs hæn	(سەر وخت در کلاس هست)	sær væx dæ kelâs hæd

۱۰- ماضی ساده از فعل بودن در گویش خانیک:

بودیم	bomæ	بودم	bodom
بودید	botæ	بودی	bodet
بودند	bofæ	بود	bodef

۱۱- ماضی استمراری از فعل بودن در گویش خانیک:

می‌بودیم	mæ bomæ	می‌بودم	mæ bodom
می‌بودید	mæ botæ	می‌بودی	mæ bodet
می‌بودند	mæ bofæ	می‌بود	mæ bodef

۱۲- ماضی نقلی از فعل بودن در گویش خانیک:

بوده ایم	bodæ mæ	بوده ام	bode jom
بوده اید	bodæ tæ	بوده ای	bode jet
بوده اند	bodæfæ	بوده است	bode jef

۱۳- ماضی بعید از فعل بودن در گویش خانیک:

بوده بودیم	bodæmæ bo	بوده بودم	bodæm bo
بوده بودید	bodætæ bo	بوده بودی	bodæt bo
بوده بودند	bodæfæ bo	بوده بود	bodæf bo

۱۴- در رساله گویش کاخک (حسنی، ۱۳۷۷: ۹۸) ضمیر اول شخص جمع با کسره آمده، این در حالی است که کهنسالان کاخک با فتحه به صورت /æhæm/ تلفظ می‌کنند. ضمناً الفی که در آغاز شش ساخت این فعل‌ها می‌آید، در تلفظ مردم کاخک کوتاه‌تر از تلفظ مردم خانیک است، به همین سبب در نوشتن به الفبای آواشناسی تفاوت دارد.

۱۵- در رساله آقای حسینی چنین است. به خاطر رعایت امانت همان‌گونه نوشته شد.

۱۶- در متن پایان‌نامه گویش کاخک بین شناسه و بن فعلی خط فاصله گذاشته شده بود، برای یک‌دست

شدن مقاله، خطوط فاصله حذف شد.

کتابنامه

- قرآن قدس (۱۳۶۴). به کوشش علی رواقی. تهران: مؤسسه فرهنگی شهید محمد رواقی.
- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی (۱۳۷۵). *زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن*. تهران: معین. چاپ دوم.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۰). *تاریخ زبان فارسی*. تهران: سمت.
- _____ (۱۳۷۷). *دستور تاریخی مختصر زبان فارسی*. تهران: سمت.
- ارانسکی، یوسیف میخائیلوویچ (۱۳۷۸). *زبان‌های ایرانی*. ترجمه دکتر علی اشرف صادقی. تهران: سخن.
- اشمیت، رودیگر (۱۳۸۲). *راهنمای زبان‌های ایرانی*، جلد اول، ویراستار: رودیگر اشمیت. ترجمه فارسی زیر نظر حسن رضایی باغ‌بیدی. مترجمان: آرمان بختیاری، عسکر بهرامی، حسن رضایی باغ‌بیدی، نگین صالحی‌نیا. تهران: ققنوس.
- امیری‌نژاد، مسعود (۱۳۷۵). *بررسی و توصیف گویش خواف*. استاد راهنما رضا زمردیان. رساله کارشناسی ارشد. رشته زبان‌شناسی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- حسینی، محمدحسین (۱۳۷۷). *بررسی و توصیف گویش کاختک*. استاد راهنما دکتر رضا زمردیان. استاد مشاور دکتر افضل وثوقی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار.
- خزاعی‌نژاد، ماهرخ (۱۳۷۴). *بررسی و توصیف گویش روستای گزیک از توابع شهرستان بیرجند*. استاد راهنما رضا زمردیان. رساله کارشناسی ارشد. رشته زبان‌شناسی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۶۴). *درآمدی بر دستور زبان اوستایی «بررسی یسن نهم»*. تهران: انتشارات کاربان.
- راغبی، محمدحسین (۱۳۸۱). *بررسی و توصیف گویش فردوس*. استاد راهنما رضا زمردیان. رساله کارشناسی ارشد. رشته زبان‌شناسی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- رضایی باغ‌بیدی، حسن (۱۳۸۵). *راهنمای زبان پارسی (پهلوی اشکانی)*. تهران: ققنوس.
- رضایی، جمال (۱۳۷۷). *بررسی گویش بیرجند (واجشناسی - دستور)*. به هزینه محمود رفیعی. تهران: هیرمند.
- زمردیان، رضا، *زبان‌شناسی عملی بررسی گویش قاین*، مشهد، معاونت فرهنگی استان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- زنگنه، علیرضا (۱۳۸۸). *بررسی و توصیف گویش قاسم‌آباد (شهرستان خواف)*. استاد راهنما یدالله پرمون.
- رساله کارشناسی ارشد. رشته آموزش زبان فارسی. دانشگاه پیام نور استان تهران.
- شکورزاده، ابراهیم (۱۳۶۳). *عقاید و رسوم مردم خراسان*. چاپ دوم با تجدید نظر و اضافات. تهران: سروش.
- فروهوشی، بهرام (۱۳۸۱). *فرهنگ زبان پهلوی*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

کنت، رولاندگروپ، (۱۳۸۴). *فارسی باستان (دستور زبان، متون، واژه‌نامه)*. ترجمه و تحقیق سعید عریان. تهران: پژوهشکده زبان و گویش با همکاری اداره کل امور فرهنگی.

مستاجر حقیقی، محمد. (۱۳۷۰). «توصیف ساختمان فعل ماضی در زبان فارسی میانه جنوب غربی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*. شماره دوم. سال بیست و چهارم. شماره پی‌دریسی ۹۳. مشهد.

مقدم، محمد. (۱۳۴۲). *راهنمای ریشه فعل‌های ایرانی در زبان اوستا و فارسی باستان و کنونی*. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.

منصوری، یدالله. (۱۳۸۴). *بررسی ریشه‌شناسی فعل‌های زبان پهلوی (فارسی میانه زردشتی)*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی و نشر آثار.

هرن، پاول و هاینریش هوشمان. (۱۳۵۶/۲۵۳۶). *اساس اشتقاق فارسی، ترجمه و تنظیم از جلال خالقی مطلق*. جلد نخست: تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

ناصر خسرو. (۱۳۸۰). *دیوان اشعار*. به اهتمام سید نصرالله تقوی. تهران: معین.

—————. (۱۳۶۵). *دیوان ناصر خسرو*. به تصحیح مجتبی مینوی - مهدی محقق. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۲۵- Jacson, A.V. Williams. (۱۸۹۲). *Avesta. Grammar*, P ۱, Columbia College, New York, Stuttgart, W. Kohlhammer.